

اوضاع اقتصادی و اجتماعی افغانستان

پس از کودتای ثور ۱۳۵۷

قسمت دوم:

دوره ببرک کارمل (جدي ۱۳۵۸-۱۳۶۵)

دوره کوتاه حفیظ الله امین با یورش نظامی قوای قشون سرخ به پایان رسید و بعد از قتل وی ببرک کارمل رقیب سرسخت او به حمایت نظامی شوروی بر اریکه قدرت تکیه زد. با پیشروی اردوی شوروی به سوی آبهای گرم و منابع انرژی شرق میانه و جنوب آسیا، صفحه جدیدی در تاریخ رقابتهای قطبین حاکم در افغانستان، منطقه و جهان باز شد و موضوع افغانستان جنبه ملی و بین المللی بخود گرفت.

مبارزات متنوع مردمی که نخست بیشتر جنبه خود جوش و پتانسیل محلی و سمتی داشت، حالت عمومی و ملی پیدا کرد و به مرور زمان با حمایت همه جانبه خارجی در شکل و سیمای «جهاد ضد کمونیستی» و «مبارزه اسلام و کفر» تبدیل گردید و افغانستان به میدان جنگ و کشاکش قطبین حاکم جهانی تبدیل شد.

پرچمیها به رهبری ببرک کارمل چیزی برای گفتن و طرح عملی جامع جهت اصلاح امور در دست نداشتند. حضور قوای شوروی آنان را در برابر احساسات ملی و مذهبی مردم از یکطرف و ضدیت آشکار جهان غرب و کشورهای اسلامی عرب از جانب دیگر قرار داده بود. کارمل در بیانیه خود که از خاک اتحاد شوروی پخش شد، تلاش ورزید با «میرغضب» خطاب کردن امین همه اشتباهات، نواقص و جنایات را به گردن او بیندازد.

در اوایل دوره ببرک کارمل یک سلسله اصلاحات سطحی و شعارگونه برای حصول حمایت مردم، مانند آزادی زندانیان سیاسی، منع تعقیب و تفتیش منازل و آزادی مطبوعات و اجتماعات اعلان شد که نتیجه مطلوب نداد. ارائه لست طویل اعدام شدگان خشم مردم را بیشتر برانگیخت و آزادی تعداد معدود زندانیان آبی بر آن آتش پاشیده نتوانست. با به گلوله بستن تظاهرات محصلان پوهنتون و حفظ فضای اختناق، دیگر جایی برای آزادی مطبوعات و اجتماعات باقی نماند. فشارهای نظامی و هوایی به مرور زمان چنان افزایش یافت که تفتیش منازل به پدیده بسیار عادی تبدیل شد.

سران دولت کارمل به رهنمایی مشاورین روسی بعد از شکست اصلاحات مرحله نخست به فکر اصلاحات عمیق تر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برآمدند. آنان به تأثیرات بسیار منفی فرمانهای اولیه و طرحهای خام خویش که قیامهای مردمی و مبارزات مسلحانه را دامن زده بود، تا حدودی پی برده بودند؛ لیکن قصد نداشتند از اهداف انقلابی، ایدئولوژیکی و افراطی خود دست بردارند و مطابق به واقعیت های افغانستان، منطقه و جهان عمل نمایند. به این دلایل اصلاحات مطروحه که در راستای همان اهداف افراطی متناقض با جامعه افغانستان بوجود آمد، موفق نشد.

در حوت ۱۳۶۱ دولت دست به تشکیل «جبهه پدر وطن» دراز کرد، تا از نگاه سیاسی و عنعنوی پایگاه حزب و دولت را وسیع تر سازد و بدنبال آن به ایجاد «هسته های اولیه اقوام و قبایل» اقدام شد. جهت کاهش احساسات مذهبی و خشم عقیدتی مردم «شئون اسلامی» تشکیل گردید. در عرصه اقتصادی و اجتماعی به تعدیل «اصلاحات ارضی» پرداخته شد و برای تثبیت خصوصیت های بیشتر میدان بیشتری فراهم گردید.

اصلاحات این مرحله هم از عمق لازم برخوردار نبود و دولت هنوز از اهداف افراطی خود نمی خواست دست بردارد. به طور مثال کارمل در بیانیه برج عقرب سال ۱۳۶۱ در ولایت هرات گفت: «تحقق اصلاحات ارضی و آب در واقعیت امر حلقه مرکزی و عمده انقلاب ملی و دیموکراتیک ما را تشکیل می دهد»^(۱) همچنان تعدیلاتی که در برنامه اصلاحات ارضی بوجود آمده بود بسیار دیر و ناچیز به نظر می آمد: «بعد از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ملکیت بر زمین از یک هکتار به دو هکتار بالا برده شد»^(۲)

در دوره ببرک کارمل هر چند اصلاحاتی روی دست گرفته شد؛ لیکن در اهداف اساسی دولت و وابسته سازی کشور به شوروی تفاوت عملی و موثر چندانی دیده نمی شد. دولت در واقع تاکتیک ها و شیوه پیاده سازی همان اهداف اساسی خویش را اصلاح میکرد و تلاش می وزید با شناخت بهتر شرایط و اوضاع جامعه، برنامه هایش را تطبیق کند. چنانکه به تاریخ ۵ اسد سال ۱۳۶۱ در پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب آمده است: «در جریان کار سیاسی با

۱- اتفاق اسلام، ۲ عقرب ۱۳۶۱.

۲- اتفاق اسلام، ۱۸ جوزای ۱۳۶۱.

توده ها سازمانهای حزبی، اجتماعی و موسسات ایدئولوژیکی کشور باید خصوصیت اقشار و گروپهای اجتماعی مردم را مدنظر بگیرند و با آنها برخورد متنوع داشته باشند و به صورت پیگیر باید اصول اعلام شده حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دیموکراتیک افغانستان نسبت بدین مقدس اسلام، سنن و عنعنات مردم، ارزشهای تاریخی و فرهنگی اقوام و قبایل افغانستان مراعات گردد» (آ)

کارمل در سخن رانی خود در برج عقرب ۱۳۶۱ از کمکهای شوروی این طور تقدیر می نماید: «کمکهای بی شایبه و سخاوتمندانه اتحاد شوروی برادر و دوست مطمئن ما نقش پر ارزش و بی نظیری را در رفع دشواری های موجود اقتصادی ما ایفا می نماید» (ب)

در این دوره همچنان تلاش شد تا متشبهین خصوصی تشویق شده و از این ناحیه توان اقتصادی دولت افزایش داده شود. هدف دولت این بود تا بخش خصوصی تحت رهبری سکتور دولتی رشد کند. در این باره در روزنامه اتفاق اسلام می خوانیم:

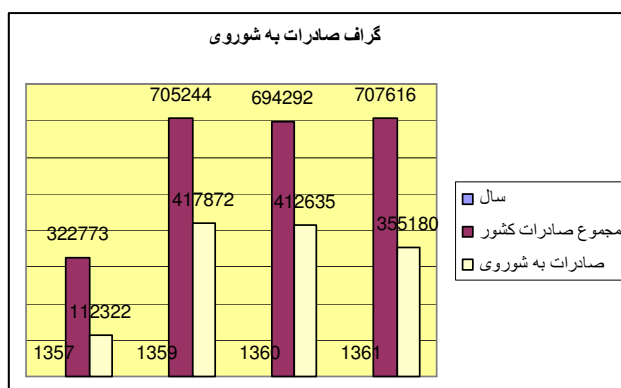
« بناسی از احکام ۱۸ و ۲۲ اصول اساسی جمهوری دیموکراتیک افغانستان که دولت تشیبات خصوصی را تشویق، حمایت و کنترل می کند، سی و شش پروژه متوسط و کوچک به سرمایه مجموعی ۴۹۸ میلیون افغانی که شامل بخشهای مختلف چون: کشمش پاک، نساجی، مرغداری، صابون سازی، تولید نخ و غیره می باشد، منظور گردیده است» (ج)

جداول صادرات و واردات کشور

در این سالیان روابط سیاسی و اقتصادی با حوزه پکت ورشو در حال گسترش بود و صادرات به شوروی و واردات از آن سیر صعودی داشت که جداول آتی نمایانگر آن است:

جدول صادرات به شوروی (سال ۱۳۵۷-۱۳۶۱)
به هزار دالر

سال	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
مجموع صادرات کشور	۳۲۲	۷۷۳	۷۰۵	۶۹۴	۷۰۷۶
صادرات به شوروی	۱۱۲	۳۲۲	۴۱۷	۴۱۲	۳۵۵۱
منبع: شاخصهای اقتصادی و اجتماعی، اداره مرکزی احصائیه، کابل ۱۳۶۲					



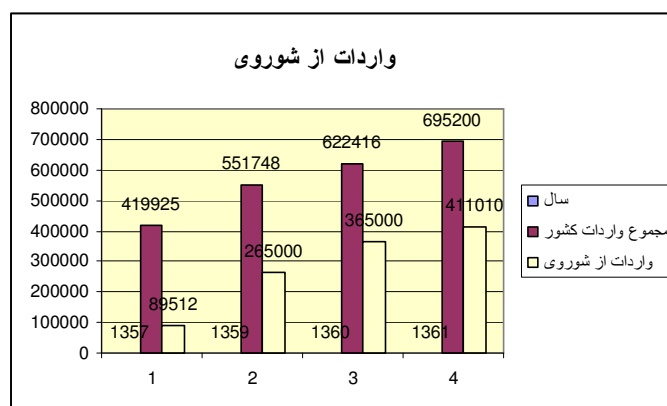
جدول واردات از شوروی (سال ۱۳۵۷-۱۳۶۱)
به هزار دالر

۳- اتفاق اسلام، ۷ اسفند ۱۳۶۱.

۴- اتفاق اسلام، ۲ عقرب ۱۳۶۱.

۵- اتفاق اسلام، ۴ قوس ۱۳۶۱.

سال	۱۳۵۷	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
مجموع واردات کشور	۴۱۹۹۲۵	۵۵۱۷۴۸	۶۲۲۴۱۶	۶۹۵۲۰۰
واردات از شوروی	۸۹۵۱۲	۲۶۵۰۰۰	۳۶۵۰۰۰	۴۱۱۰۱۰
منبع: شاخصهای اقتصادی و اجتماعی، اداره مرکزی احصائیه، کابل ۱۳۶۲				



از فشارهای شدید نظامی تا اصلاحات بیشتر

پس از عقیم ماندن طرحهای اصلاحی دولت و توسعه بیشتر مبارزات مسلحانه فشارهای قوای مشترک شوروی و دولت افغانستان بالای مناطق مجاهدین در دهات و قشلاق ها شدت افزون پیدا کرد. بیشتر اهالی روستاها مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شدند.

سیاست غیر انسانی ویران سازی مناطق مسکونی در دهات (بمثابه زیر بنای اقتصادی و اجتماعی مجاهدین) در سطح کشور توسعه یافت که ما اوج این حرکت تخریبگرانه را در سالهای ۱۳۶۲، ۶۳ و ۶۴ دیده می توانیم. در زیر این فشارهای سنگین زمینی و هوایی وضع اقتصادی ده نشینان، قشلاق گزینان و کوچیان صحرا گرد بکلی خراب و پاشان شد.

در ابتدای کودتای ثور که ساخت اقتصادی و اجتماعی ده نشینان در اثر ریفورم های ناشیانه دولت شکافهای عمیق برداشته بود، در زیر بمب های آتشین و فیر سلاح های ثقیل از هم گسست. بیش از پنج میلیون نفر مجبور به مهاجرت به کشورهای خارجی خاصه پاکستان و ایران شدند. میکانیزم جنگی جای ساختار نورمال و مختلط سابق را گرفت و جامعه دچار بحران و جنگ هستی سوز گشت.

در گرماگرم فشارهای سخت نظامی تحولات جدیدی در شوروی پدید آمد. بدنبال مرگ پیاپی رهبران پیر آن در حوت ۱۳۶۳ نوبت به میخائل گرباچف رسید. در راستای تشدید اصلاحات در روسیه شوروی، در افغانستان نیز جریان ریفورم های دولتی سرعت گرفت. موج انتقادات از سیاستهای سابق روسیه در قبال افغانستان افزایش پیدا کرد. پروادا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در ۳۰ دلو ۱۳۶۴ طی تفسیری به اشتباهات دولت روسیه در افغانستان اذهان نمود:

«اشتباهاتی در مراحل اولیه انقلاب (افغانستان) صورت گرفته، زیرا برای پشت سر گذاشتن دوره های انقلابی اجزای ریفورم های اجتماعی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن واقعیت های موجود و خصوصیات ملی و اجتماعی انجام پذیرفته و در نهایت تأثیر منفی داشته است»^(۱)

ببرک کارمل که هنوز در خواب و خیال پیشین سیر میکرد، در مرحله جدید مهره خوبی برای اصلاحات بیشتر در افغانستان نبود. وی قبل از برکناری در یکی از بیانیه های خود هنوز در جهان خیالی سابق گرفتار بود و با مقولات بازی میکرد: «هرگاه ارتجاع منطقه، امپریالیست ها و هژمونیزم های چین مداخلات خود را، سیاست تجاوزگرانه خود را در امور داخلی کشور ما به صورت عام و تام قطع نمایند. . . در افغانستان یگانه حزب، حزب دیموکراتیک

- زمینه ها، انگیزه ها و پیامدهای مذاکرات ژنو، ص ۲۷.^۶

خلق افغانستان بود. . . به پیش آهنگی حزب، خلق افغانستان انقلاب کرد. . . دولت افغانستان به اراده خلق خود خواهان به پیروزی رسیدن انقلاب دیموکراتیک می باشد» با افزایش سیر تحولات در روسیه شوروی برای انجام اصلاحات افزونتر در افغانستان دکتور نجیب جاي ببرک کارمل را گرفت.

ادامه دارد
رسول پویان
(زمستان ۱۳۷۰)

د پانوی شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په ځیر و لولئ